مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

جلیل غنی ۲۰۲۲/۰۹/۱۶

ژورنالیز م دوست یا دشمن مردم (بخش پانزدهم)

استفاده از نام مستعار در جهان

استفاده از نام مستعار زمینه را برای یک نویسنده و ژورنالیست در جامعه و شرایطی فراهم می‌سازد که نویسنده، نظر به دلایل امنیتی، اختناق فرهنگی و یا محدودیت‌های عقیدتی و سیاسی نتواند حقایق و نارسایی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سایر کمبودها را به اطلاع مردم برساند و راه‌های بیرون‌رفت از چنین نارسایی‌ها و کمبودها را پیشنهاد کند. در این میان تعدادی هم هستند که با استفاده از نام‌های مستعار به‌خصوص در جامعه‌هایی که قانون حاکم نیست و خودسری‌ها بیداد می‌کند، به عقده‌گشایی، ناسزاگویی، تهمت، افترا، نشر مطالب مستهجن و مسایلی از این قبیل دست می‌زنند که نوعی ترور شخصیت و تجاوز بر حریم اشخاص، خانواده‌ها و وقار و حیثیت اشخاص بوده می‌تواند و مغایر تمام آموزه‌ها و اصول و موازین ژورنالیزم و اخلاق نویسندگی در هر زبان، فرهنگ و اصول نگارش است.

پیش‌رفت تکنالوژی زمینه‌ی دست‌رسی همگانی به ارائه‌ی نظریات و خبرها و سایر معلومات مفید را در دنیای مجازی به اسرع وقت میسر ساخته، ولی شوربختانه هستند کسان و نهادهایی که بدون درنظرداشت ارزش‌ها و اخلاق نویسندگی و عدم رعایت فرهنگ استفاده از این تکنالوژی در دنیای مجازی، و بدون رعایت اصول و اساسات آزادی بیان و یا هم محدودیت‌های آن، هرچه خواستند می‌نویسند. باتأسف که متصدیان بعضی از این ویب‌سایت‌ها که از آزادی بیان و فکر فقط نام آن را یاد گرفته‌اند و نه مفاهیم حقوقی و محتوایی آن را، به عنوان این‌که «هرکس حق دارد نظری بدهد»، هر آن‌چه نگاشته می‌شود و به دست می‌آورند، نشر می‌کنند.

استفاده از نام‌های مستعار مثل هر پدیده‌ی دیگر جهان بشریت و مرتبط با انسان، پیشینه و دلایلی دارد که چنین دلایل یا به مرور زمان منتفی می‌شود و ضرورت استفاده از آن رفع می‌گردد، و یا هم برای برآورده‌ساختن مقاصد و منافع شخصی ادامه پیدا می‌کند. اما یک نویسنده، که بیش‌تر در این نگارش مورد توجه است، انتخاب سهل و آسانی برای بیان نظریات و فراورده‌های ذهنی و تخیلی‌اش دارد که پیوند مستقیم با استفاده از هویت اصلی و یا استعاری او می‌داشته باشد. هر یک از این راه‌ها دارای امتیازات و معایبی می‌باشد که به نحوی گویای تفکر و موقف‌گیری‌های نویسنده بوده و بر معرفی و شناخت او در جامعه تأثیرگذار است.

در افغانستان از همان آوانی که نخستین نشریه‌ی موقوته در سال 1290ه.ق/ 1873م. به نام «شمس‌النهار» در دوره‌ی زمامداری امیر شیرعلی‌خان به نشر رسید تا کنون، در نشرات داخلی، و چه در نشرات بیرون‌مرزی بعد از پراگنده‌شدن شهروندان افغانستان به نقاط مختلف جهان، مثل هر کشور دیگر پیش‌رفته یا توسعه‌نیافته، استفاده از نام‌های مستعار معمول بوده است. برای این‌که اندکی به پیشینه‌ی استفاده از نام‌های مستعار در افغانستان آشنا شویم و هم دلیل استفاده از این نام‌ها را به‌حیث نمونه ارائه داریم، از شخصیت‌های برازنده که در بخش‌های ادب و فرهنگ و سیاست می‌توان یاد کرد و نام‌های‌شان ثبت تاریخ گردیده و از جمله‌ی افتخارات افغانستان در عرصه‌های یادشده هم هستند، می‌توان از عبدالهادی داوی، عبدالرحمن پژواک و محمد هاشم میوندوال نام برد. مرحوم داوی در آغاز اشعار و نوشته‌هایش را به نام «پریشان»و محمد هاشم میوندوال به‌نام «پردیس» و مرحوم پژواک به‌نام‌های «وفا» و «ارمانجن» نشر می‌کردند.

«اما در زمان صدارت محمدهاشم‌خان که توسط صلاح‌الدین سلجوقی رئیس مستقل مطبوعات آن زمان به او معرفی شدند و او از اشعار و نوشته‌های شان که در روزنامه‌های انیس و یا اصلاح آن زمان نشر می‌شد تمجید نمود، توصیه کرد که عبدالرحمن بجای «ارمانجن» تخلص «پژواک» و محمدهاشم که از منطقه‌ی میوند بود به

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

عوض «پردیس» «میوندوال» تخلص نماید و تا اخیر عمر به همین نام‌ها زندگی کردند و نوشتند و شعر گفتند و از نام‌داران سیاست و ادب و فرهنگ شدند».[1]
برای این‌که بیش‌تر به چگونگی استفاده از نام مستعار و روش استفاده از آن توضیحی داده شود نظری به پیشینه‌ی کاربرد نام مستعار در جهان می‌اندازیم.
استفاده از نام‌های مستعار در قرن هجده در اروپا بسیار معمول بود و این زمانی بود که ژورنالیست‌ها و نویسندگان می‌خواستند در مورد موضوعات جنجال‌برانگیز و یا حتی مقالات غیرقانونی و هم پیام‌هایی به گردانندگان روزنامه‌ها بنویسند.
از جمله‌ی شخصیت‌های معروف سیاسی و نویسندگان برازنده‌ی امریکایی که از نام‌های مستعار استفاده کردند فقط به‌ذکر دو نام اکتفا می‌کنیم. نخست بنجامین فرانکلین (Benjamin Franklin) یکی از بنیان‌گذاران ایالات متحده‌ی امریکا و سیاست‌مداران بنام این کشور که در نوشتن اعلامیه‌ی استقلال امریکا و قانون اساسی این کشور نقش برازنده و فعالی داشت، و ثانیاً ماری آن ایوانس (Mary Ann Evans) که در نوشته‌هایش از نام مستعار جارج ایلیوت (George Eliot) استفاده می‌کرد.
بنجامین فرانکلین (17 جنوری 1706 - 17 اپریل 1790) فرزند کسی بود که دکان شمع‌سازی و صابون‌سازی داشت و بنجامین برای این‌که به پدرش کمک مالی کرده بتواند مکتب را از صنف دهم ترک گفت و به پدرش در این دکان کمک می‌کرد. او را که هنوز دوازده سال عمر داشت در چاپ‌خانه‌ی برادرش «جمز» (Jams) به‌شاگردی نشاند و در همان‌جا بود که بنجامین با روزنامه‌ها آشنایی پیدا کرد و شوق نویسندگی به سرش زد و چون استعداد داشت به نوشتن مقالات آغاز کرد. ولی وقتی برادرش «جمز» از نشر مقالات او ابا ورزید فرانکلین که در این زمان شانزده سال داشت مقالاتش را ناچار با نام زنانه‌یی خانم سایلنس دوگود (Mrs. Silence Dogood) به چاپخانه‌ی برادرش می‌فرستاد.
نویسنده‌ی دیگری که برای نشر مقالاتش نام متفاوت و مردانه‌یی برای کتمان هویت اصلی‌اش انتخاب کرد، داستان‌نویس، ژورنالیست و مترجم انگلیسی بانو «ماری آن ایوانس» (Mary Ann Evans) بود که از 22 نوامبر 1819 تا 22 دسمبر 1880 می‌زیست و چون در جامعه‌ی مردسالار آن‌زمان مقالات او به‌حیث یک‌زن، خواننده‌ی کم‌تر داشت و مورد توجه قرار نمی‌گرفت، نام مردانه‌ی جارج ایلیوت (George Eliot) را انتخاب و با همین‌نام آثارش را تا اخیر عمر چاپ کرد.
در بیش‌تر کشورها بنابه دلایل خاص اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی استفاده از نام مستعار برای نشر دیدگاه‌ها و فراورده‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی معمول بوده است. مخصوصاً این امر در کشورهای دارای نظام‌های استبدادی بیش‌تر رایج است؛ زیرا اختناق فرهنگی و سیاسی، و تابوهای اجتماعی (موضوعاتی که بحث برآن‌ها ممنوع تلقی می‌گردد) حاکم بر جامعه، جرأت نویسندگان را برای اظهار حقایق و بیان واقعیت‌ها از آنان می‌گیرد. بیم نویسندگان از عدم مصونیت جان و مال خود، خانواده و اقارب‌شان، آنان را وادار می‌کند تا افکار و اندیشه‌های‌شان را در قالب نام‌های مستعار عرضه کنند؛ ولی در جامعه‌های دموکراتیک و مردم‌سالار به‌جز افشای اسرار در پیوند با منافع ملی، مسایل عادی و نظرهای انتقادی و یا تحلیل‌های عالمانه و نقدگونه، آزاد است و ضرورت استفاده از نام مستعار رفع می‌گردد. البته این یگانه دلیل استفاده از نام مستعار نیست و دلایل دیگری هم به آن افزود شده می‌تواند.
تحقیقات و بررسی‌هایی که در جوامع مختلف مخصوصاً در جامعه‌های دارای نظام مردم‌سالار، با درنظرداشت تضمین اصل آزادی بیان صورت گرفته، دلایل ذیل هم برای استفاده از نام مستعار مطرح بوده می‌تواند:
عمده ترین مورد کاربرد نام مستعار کتمان هویت از سوی نویسنده است. این امر را حتی همین امروز در جوامع دموکراتیک می‌توان دید. برخی از نویسندگان برای احتراز از اهانت، توهین و ترور شخصیت از جانب مخالفان موضوعی که به زعم چنین اشخاصی مغایر باورهای مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی آن‌ها است، از نام مستعار استفاده می‌کنند. چنین روشی در میان شهروندان افغانستان ساکن در بیرون از این جغرافیا و حتی آنان‌که در جهان غرب و دنیای آزاد زندگی می‌کنند، هم کموبیش دیده می‌شود و در ویب‌سایت‌های انترنیتی و شبکه‌های اجتماعی مثل فیسبوک و تویتر نمونه‌هایی از آن به‌چشم می‌آید.
یکی دیگر از موارد استفاده از نام مستعار این است که آثار قبلی نویسنده که با نام اصلی او عرضه شده، به‌هر دلیلی، برای مخاطبانش جذابیت نداشته است؛ از این‌رو اثر جدیدش را با نام دیگری عرضه می‌کند؛ تا پیام و نظرش را به‌گونه‌یی دیگر به مخاطبان خود برساند و یا هم با درنظرداشت نظریات و نوشته‌های قبلی مورد شماتت و اهانت قرار نگیرد.

1- آهنگ، کاظم، سیر ژورنالیزم در افغانستان ص- 82

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

گاهی نام مستعار می‌تواند برای نویسنده پیامدی منفی به بار آورد، و آن زمانی است که مخاطبان او با همان ذهنیتی که از قبل نسبت به نویسنده یا اثر دارند، از لابه‌لای اثر جدید یا ماحول آن کشف کنند که نویسنده‌ی اصلی، کسی دیگر از آن است که نامش در پشت جلد، مثلاً کتاب، نوشته شده است. از طرفی به‌کاربردن نام‌های نامأنوس و بدون شناخت و یا نام اول نویسنده، یا به‌کاربردن نام به صورت مخفف و مجهول، باعث کاهش تأثیر مقاله و یا اثر می‌گردد. زیرا اگر آفرینش‌گر اثر بدان‌چه خلق‌کرده، باور و اعتماد، و به‌درستی ادعا و مطلبش ایمان، و به‌صداقت گفتارش اعتقاد داشته باشد؛ و در عین زمان خطر جانی و مالی متوجه او و اقاربش نباشد، یا تحت تعقیب و پی‌گرد نظام استبدادی قرار نگیرد، و یا در یک جامعه‌ی مختنق سنتی و عقب‌مانده به‌سر نبرد، دلیلی ندارد که از نام مستعار استفاده کند. یکی از دلایل همیشگی که در ذهن هر خواننده خطور می‌کند این است که نویسنده با استفاده از نام مستعار می‌خواهد هویت خود را پنهان کند و از آن هراس دارد که ادعا علیه اشخاص و یا اعتراضاتی که بر یک اثر و نوشته‌ی دیگری دارد، مدلل و مستند نیست و این مسأله بالآخره مورد تدقیق و بررسی قرار می‌گیرد و بر شهرت او صدمه می‌رسد.
جرأت اخلاقی و برخورد صادقانه با پدیده‌ها و مسایل، از خصایل نیک هر ژورنالیست، نویسنده، هنرمند و هر آفرینش‌گر اثر ادبی، فرهنگی، سیاسی و علمی است. از این‌رو آفرینندگان چنین آثاری در یک فضای باز و دموکراتیک و قانون‌مند می‌توانند از آثارشان شجاعانه و با شهامت دفاع کنند.
در سال‌های 1980 که مقاومت مردم افغانستان در مقابل تجاوز اتحاد شوروی بر افغانستان به اوج خود قرارداشت و بیش از پنج‌ملیون شهروند افغانستان، آواره‌ی کشورهای دیگر به ویژه پاکستان و ایران گردیدند، علت عمده‌ی آن، اعمال دیکتاتورهای استالینستی و ملاهای تنگ نظر بود که عرصه‌ی نفس‌کشیدن را برای تعداد زیادی از قشر تحصیل‌کرده و ملی‌گرای آزادمنش و دانشمندان کشور، تنگ ساخته بودند. همان بود که مردم از روی ناگزیری راه هجرت را پیش گرفتند. یکی از این شخصیت‌های برازنده و دانشمند، سید بهاءالدین مجروح، استاد دانشگاه کابل بود که در 11 فبروری 1988 به ضرب گلوله‌ی آدم‌کشان تنگ نظر در پیشاور در دروازه‌ی منزلش ترور شد؛ چون او بود که با آنان‌که مقاومت دلیرانه‌ی مردم افغانستان را گروگان گرفته بودند، مخالفت می‌کرد و صدای اکثریت خاموش ملت افغانستان را با نشر مجله و روزنامه و نظرپرسی‌های مردم، بلند کرده بود.
برخی از نویسندگان کشور ما بنا بر دلایلی که پیش‌تر اشاره شد، نوشته‌ها و آثارشان را با نام‌های مستعار به‌چاپ می‌رساندند؛ از جمله یکی استاد عبدالله سمندر غوریانی، دانشمند مشهور کشور ما در روزگاری که در پیشاور به‌سر می‌برد، اثر فلسفی‌اش را با عنوان «ماده و معنی» به‌نام مستعار «ابوالوفای افغانی» نشر کرد؛ زیرا محتوای این اثر برای پیشاورنشینان قابل درک و پذیرش نبود. این است نمونه‌هایی از آن‌چه اختناق و استبداد حاکم بر جامعه تحمیل می‌کند و استفاده از نام مستعار را نه تنها مجاز، بلکه یک امر حتمی می‌سازد. نه این‌که آفرینش‌گر در یکی از کشورهای اروپایی و یا امریکا با استفاده از همه نعمات زندگی مادی و یک فضای آرام و دموکراتیک و مصون از هرنوع تهدید، و تعجیز، بازهم در پشت پرده‌ی ابهام فرو رود و برای پنهان‌کردن ضعف یا فرار از جوابگویی، چهره در نقاب استعاره کشد.
مواردی که از آن‌ها نام برده شد یگانه و همه موارد کاربرد استعاره در نام نیست؛ بلکه برای روشن‌شدن مطلب، تذکری از چند نمونه‌ی استفاده از نام مستعار بود. وقتی به نشرات انترنیتی و ویب‌سایت‌های مرتبط با قضایای افغانستان نظراندازی شود، نام‌های متعدد مستعار به چشم می‌خورد که در همان دید نخست، خواننده درک می‌کند که این نام اصلی نیست.
درنگی بر محیط نشراتی و وسایط ارتباط عامه در جامعه‌های بسته و غیردموکراتیک نشان می‌دهد که در چنین جوامع قدرت‌مندان، و به‌خصوص آن‌عده رهبرانی که دیوانه‌ی قدرت‌طلبی هستند، از هر وسیله و امکانی برای تداوم حاکمیت‌شان کار می‌گیرند. این قدرت‌مندان مستبد و تنگ‌نظران و دیکتاتورها، شامل تمام انواع آن، همیشه سعی دارند حقایق را پنهان کنند و مردم را در تاریکی نگه‌دارند. ژورنالیزم و همه انواع رسانه‌های رسالت‌مند نوشتاری، شنیداری، و تصویری و حالا دیجیتالی، در طول تاریخ این مسلک و از همان آغاز فعالیت‌های رسانه‌های همگانی در هر نقطه‌یی از جهان، سعی داشته‌اند، نه تنها حقایقی را که در جامعه رخ می‌دهد، نشر و مردم را آگاه کنند؛ بلکه نقش کلیدی در سمت‌دهی افکار عامه و موقف‌گیری جامعه در برابر استبدادهای سیاسی، قومی، نژادی و مذهبی و نظامی ایفا کرده‌اند. حقایق، نه شایعات و اطلاعات بی‌بنیاد و غیرمستند، بزرگ‌ترین حربه‌یی است که یک جامعه‌ی آگاه و مترقی برای تغییر مثبت، در دست دارد و این حقایق و حربه را فقط ژورنالیزم و نشرات است که به دست‌رس مردم قرار می‌دهد. دیکتاتورها برای جلوگیری از نشر حقایق و افشاگری رسوایی‌ها و نارسایی‌ها، تبعیض‌ها، تعصبات، اختلاس‌ها و سوء استفاده‌های قدرت‌مندان خودکامه و انواع فساد در دستگاه حاکم، دست به هر اقدامی برای تضعیف و نابودی ژورنالیست‌ها و مخالفان خود می‌زنند.
زندانی کردن‌ها و کشتار تعداد زیادی از مخالفان حکومت حزب دموکراتیک خلق شامل مردمان عادی، حتی از یک کسبه‌کار و دوره گرد عادی، تا متعلم و محصل و معلم و استاد دانشگاه تا مأمور دولت و ژورنالیست خلاصه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

هر کسی که جزئی‌ترین انتقادی از اعمال دولت و یا یکی از حزبی‌ها و مأمورین دولت می‌نمود، به نام مخالف، نیست و نابود می‌شد و یا هم بدون محاکمه در زندان به نام ضد انقلاب می‌پوسید.
قتل‌های زنجیره‌یی و هدف‌مند به‌خصوص در سال‌های اخیر در افغانستان توسط قدرت‌طلبان و مفسدان جامعه، مخالفان مسلح به‌خصوص طالبان و داعش، نمونه‌ی بارزی از کردار بی‌اصول خیانت‌پیشگان و دشمنان مردم افغانستان است، که از افشاگری‌ها و گفتن حقایق هراس دارند و با کشتار خدمت‌گاران واقعی جامعه و پیش‌روان کاروان مدنیت، مذبوحانه تلاش دارند صدای حقیقت گویان را خاموش سازند.
در ماه‌های اخیر که این اثر زیر نگارش بود چندین ژورنالیست و کارمند رسانه‌یی توسط گروه‌های تندرو مخالف حکومت و یا هم سیاست‌گران قلابی و جاه طلب افغانستان ترور شده‌اند.
این دیکتاتورها هرگونه انتقاد از خویش را انتقاد از یک ایدیالوژی که به آن تعهد دارند، تلقی می‌کنند. حالا این‌که آیا آن‌ها واقعاً به چنین ایدیالوژی و یا تفکری معتقد هستند و آن را مقدس می‌دانند، سؤالی است که اعمال آن‌ها برعکس این ادعا را به اثبات می‌رساند؛ ولی می‌توان با یکی دو مثال آن را اندکی واضح ساخت.
در زمانی‌که مقاومت مردم در برابر حکومت حزب دموکراتیک خلق و اندکی بعد از آن در برابر تهاجم قوای اتحاد شوروی بر افغانستان جریان داشت، هرگونه انتقاد از اعمال و رفتار آنانی که به‌نام مجاهد یاد می‌شدند به معنای انتقاد از «جهاد»، کلمه‌یی که بار تقدس عقیدتی دارد، از طرف رهبران تنظیم‌ها خوانده می‌شد، و بدین‌وسیله سعی داشتند دروازه‌ی هرگونه انتقاد را بر اعمال خود و پیروان‌شان ببندند. و یا در دورانی که حکومت تنظیمی برای چهار سال در کابل بر سر اقتدار بود و جنگ‌های بین جناح‌های مخالف، کابل را به یک ویرانه مبدل ساخت، هیچ کسی را یارای انتقاد از اعمال آن‌ها نبود و رهبران این تنظیم‌ها آن را مخالفت با اسلام می‌خواندند. یا در دوران حاکمیت طالبان، انتقاد از ملا عمر یا کردار طالبان، به معنای انتقاد از اسلام عنوان می‌شد، زیرا مدعی بودند که آن‌ها ممثل واقعی اسلام هستند.
از آن‌جا که همه‌ی این دیکتاتورها خود را مافوق قانون تصور می‌کنند، تمام قدرت و صلاحیت را به‌خود منحصر می‌سازند؛ مانند: امپراتور روم که می‌گفت: «من خود قانون هستم» این دیکتاتورها هم فکر می‌کنند که بالاتر از قانون و خودشان قانون هستند. همان است، زمانی‌که ژورنالیست، چنین تصوری را مورد سؤال قرار می‌دهد، دست به نابودی او می‌زنند و ژورنالیزم را دشمن مردم می‌خوانند، در حالی‌که ژورنالیست از نگاه اصول و موازین ژورنالیزم، با هیچ‌کسی دشمنی ندارد؛ ولی مخالف دروغ‌گویی، تخلف از قانون، ظلم، انواع تعصب و نابسامانی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و انواع فساد اجتماعی است و به‌حیث «صدای آنانی‌که صدایی ندارند» رسالت خود را ایفا می‌کند.
در تحلیل نهایی، ژورنالیزم در جوامع آزاد و دموکراتیک «دوست مردم» و در جوامع بسته و غیردموکراتیک از جانب قدرت‌مندان انحصارطلب و تک‌روانی که با آن‌ها از در مخالفت پیش می‌آید و نابسامانی‌ها و فسادپیشگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را رسوا می‌سازد، به‌نام «دشمن مردم» نامیده می‌شود.
در افغانستان نیز در چنین ماحول و فضای سیاسی و فرهنگی، ژورنالیزم به‌حیث دشمن مردم تلقی می‌گردد. حالا فرقی نمی‌کند که این دیکتاتوری‌ها و خودکامگی‌ها خانوادگی بوده یا قومی و مذهبی و یا هم نظامی، در هر حالت، چنین حکومت‌ها همیشه سعی داشته‌اند از ژورنالیزم و نشرات معدودی که اجازه‌ی نشر یافته بودند، و تقریباً همه بلندگو و مداح دولت حاکم در چنان شرایط و مبلغ برنامه‌های دولتی و حکام بوده‌اند و همیشه از ژورنالیزم فقط استفاده‌ی ابزاری کرده‌اند.
با وجود این، نمی‌توان ادعا کرد که در سایر جوامع از ژورنالیزم استفاده‌ی ابزاری نمی‌شود؛ چنان‌چه در جوامع باز و دمو کراتیک نیز گاهی سیاست‌گران و متنفذان سیاسی و اقتصادی هم از ژورنالیزم استفاده‌ی ابزاری می‌کنند؛ ولی با آزادی‌های تضمین‌شده‌ی دموکراتیک حاکم بر این جوامع، زمینه‌ی نشر هرگونه نارسایی و کاستی را در هر سطحی چه سیاست‌گران از مراتب پایینی و چه بالایی تا رئیس جمهور این جوامع، نشر و تصویر روشنی از همه زوایای این جوامع را به مخاطبان شان ارائه می‌دارند.

بخش شانزدهم: ژورنالیزم تفریحی و جایگاه آن در انقلاب تکنالوژی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولئ